



«وطن امروز» از افزایش پرداخت تسهیلات بانک‌ها به شرکت‌های زیرمجموعه و کارکنان گزارش می‌دهد

بفرمایید وام!

سال ۱۴۰۲ بانک‌ها ۹۱ هزار میلیارد تومان تسهیلات به کارمندان خود پرداخت کردند و به‌طور متوسط هر کارمند سالانه ۴۱۳ میلیون تومان وام دریافت کرده است

گروه اقتصادی: در حالی که بانک‌ها در سال‌های اخیر موظف به پرداخت تسهیلات تکلیفی برای ساخت مسکن، وام ازدواج و فرزندآوری هستند، خبرهایی از پرداخت تسهیلات کلان آنها به شرکت‌های زیرمجموعه و کارکنان‌شان به گوش می‌رسد. در واقع بانک‌ها در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان انحراف منابع داشته‌اند، آن هم در موقعیتی که دولت بر پرداخت تسهیلات برای اجرای پروژه‌های نهضت ملی مسکن تاکید زیادی داشته است. طبق بررسی‌ها میزان بدهی بانک‌های کشور به بانک مرکزی در ۱۰ سال گذشته حدود ۶۰ برابر افزایش داشته و این ناترازی یکی از دلایل اصلی تورم در اقتصاد کشور بوده است. از طرف دیگر بسیاری از مسؤولان بانک‌ها این موضوع ناترازی را دستمایه عدم پرداخت تسهیلات کرده‌اند، واقع تسهیلات وام ازدواج، وام مسکن و وام فرزندآوری

ادامه در صفحه ۳

تیتراهای امروز

اسطوره‌ای به نام ساره جوانمردی
۴ مدال طلا و یک برنز در مسابقات پارالمپیک از لندن تا پاریس

اسنایپر طلا



روزنامه‌الخبار و شبکه‌المیادین جزئیاتی را از عملیات حزب‌الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی منتشر کردند

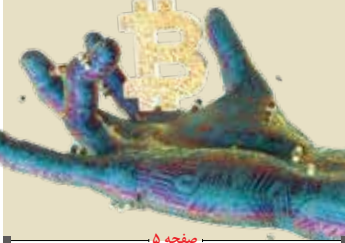
۸۲۰۰ خورد!

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: عملکرد پدافند هوایی ایران از رصد تا اتهام هدف چگونه است؟

رادار شکار

«وطن امروز» ماهیت، آینده و سیاست جهانی دولت‌ها در مواجهه با ابرزهای دیجیتال را بررسی کرد

رمزوراز رمزراز



عکس: Gettyimages

پس از دستگیری پاول دوروف در فرانسه، فعالیت ایکس در برزیل تعلیق شد
ماسک: باید سفرهایم را محدود کنم؛ نباید به هر کشوری بروم

چالش دولت‌ها و پلتفرم‌ها

صفحه ۷

آرمان توسعه و وضع کنونی زنان

دکتر ابوالفضل اقبالی *

خود رضایت ندارند. آرزوی مادری برای زنان در غرب، عدم توقیف در رقابت با مردان، بحران هویت، چالش‌های عاطفی و روانی و... بخشی از واقعیت امروز زن غربی است که نشان می‌دهد زن غربی با وجود کسب دستاوردهایی در ظاهر زندگی خود اما کماکان نسبت به زندگی رضایت ندارد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا نزدیک شدن به آرمان‌های توسعه و پیشرفت، نزدیک شدن زنان به سعادت و رضایتمندی از زندگی را به دنبال نداشته است؟ اکنون دنیای مدرن و جوامع توسعه‌یافته برای به سعادت رساندن زنان چه تصویری از آینده ترسیم می‌کنند؟ اساساً آیا توسعه ظرفیت و امکان به فعلیت‌نرسیده‌ای دارد که بتواند به کمک آن آینده‌ای امیدوارکننده برای زنان ترسیم کند؟ و به تعبیر ساده‌تر، از دیدگاه گفت‌مان توسعه، اگر کدام آرمان محقق شود زنان سعادت‌مند خواهند شد؟ مفروض بر اینکه تصویری خوشایند از آینده از سوی گفت‌مان توسعه برای زنان قابل ارائه باشد و هنوز ظرفیتی باقی مانده باشد، چه دلیلی وجود دارد که آن تصویر نیز به سرنوشت آرمان‌های آغاز دوره مدرن دچار نشود؟ آرمان‌هایی که بسیاری محقق شد اما سعادت و رضایتی در پی نداشت.

مناخ: داوری‌آردکانی، رضا (۱۳۸۴) رساله‌ای در باب سنت و تجدد، تهران: ساقی ساکس، ولفگانگ (۱۳۷۷) نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی، تهران: مرکز (1992). The Transformation of Intimacy (Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies), Stanford University Press, First Publish. Barrett, Michelle. (2010). "Women's Oppression Today". Hulton Press. Rowbotham, Sh. (1973). Woman's Consciousness, Man's World. New Orleans: Pelican.

ایجاد تحولاتی در سازمان نقش اجتماعی زن و مرد شد. این روند باعث تغییر و تحولاتی در سبک زندگی زنان شد و زیستن به سبک سنتی جای خود را به شیوه زیستن مدرن و منطبق با ادبیات توسعه داد. زنان در عمل توانستند آنچه را در آرمان توسعه‌یافتگی برای خود می‌دیدند محقق شده ببینند: حق مالکیت، امکان اشتغال و دریافت حقوق و حضور در جامعه در کنار مردان، رفع محدودیت‌های ایجادشده توسط مرد خانه تحت عنوان غیرت، خارج شدن از مدیریت مرد در زندگی خانوادگی، امکان تحصیل در شرایط مختلف کار خانه و بویژه رهایی از بارداری مکرر و در روابط زناشویی، رهایی از مشقت‌های متعدد و گذشته و طراحی شیوه‌های جدید زیست اجتماعی به‌طوری‌که امکان به‌تبدیل شدن فرزندآوری به یک اقدام تحت مدیریت زن در زمان، موقعیت و کمیت تحت اراده کامل زن و...

د - توسعه و واقعیت کنونی وقوع مدرنیسم در غرب، تغییر و تحولات اولیه و رفاه مادی را در ظاهر زندگی بشر به ارمان آورده. تا پیش از قرن بیستم، اندیشه ترقی و پیشرفت انعکاسی شدت گسترده و امیدوارکننده در جامعه داشت و انانی که دستاوردهای آغازین تمدن جدید را لمس کرده بودند آینده‌های سرشار از خوشبختی را برای بشر پیش‌بینی می‌کردند اما با ورود به قرن بیستم و بروز برخی نتایج و پیامدهای تمدن جدید از جمله خلأ معنی در زندگی بشر، تردید در علوم جدید، تخطئه تکنولوژی، تباهی محیط زیست، بحران سلامتی، فروپاشی اخلاقی و اجتماعی، نظامی‌گری مدرن و رخداد ۲ جنگ جهانی، اندیشه ترقی را با بحران جدی مواجه کرده است. با تحقق بسیاری از آرمان‌ها برای زنان، طبیعتاً زن در جامعه توسعه‌یافته باید تا حد زیادی به سعادت دست یافته باشد. بررسی وضعیت کنونی زنان می‌تواند این مسأله را روشن کند. زنان امروز در جوامع مختلفی که آرمان‌های توسعه برای آنان فراهم‌شده یا در حال تحقق است، زندگی می‌کنند. در هر جامعه سنتی دیگر، باعث

ج - توسعه و نظم جنسیتی جدید تا پیش از ظهور تجدد در غرب، نظم سنتی حاکم بر جامعه به مثابه هنجار غیرقابل تخطی سلوک پذیرفته شده (Sayer2004:114) و طبیعی تلقی می‌شد. مناسبات جنسیتی جامعه نیز از همین الگو پیروی می‌کرد و در چنین شرایطی همواره موقعیت زنان در نسبت با خانواده تعریف شده و زنان جایگاه خود در نظم سنتی خانواده را پذیرفته بودند (Giddens,2007:238) اما با گسترش ایده‌های روشنگری و مدرنیته، بن‌برج ایهامات و چالش‌های زیادی پیش‌روی نظم سنتی حاکم قرار گرفت و تغییر در الگوهای نهادینه‌شده زندگی در گذشته و طراحی شیوه‌های جدید زیست اجتماعی به‌طوری‌که امکان به‌تبدیل شدن فرزندآوری به یک تغییرات اساسی به سرعت به حیطه مناسبات جنسیتی جامعه نیز کشیده شد و جنبش‌های اجتماعی زنانه با به چالش کشیدن ایده «طبیعت زنانه» (Rowbotham,1972:28)، خواستار بازتعریف جایگاه خود در نظام اجتماعی بر مبنای یگانگی و گزینش‌گری فعالانه زن و مرد شدند. این گفتار به ظاهر انقلابی در تعاملی هم‌افزایانه با اقتضائات توسعه در عصر مدرن که به مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی نیاز مبرم داشت، منجر به تحول در الگوی کنشگری زنان در خانواده و جامعه شد و امروز به نظم غیرقابل خدشه، کاملاً بدهی و به رسمیت شناخته شده تبدیل شده است.

با نفوذ این ادبیات در بنده اجتماعی جوامع مدرن، کم‌کم تقسیم جنسیتی نقش‌ها بر مبنای تفاوت‌های زن و مرد، از نظام اجتماعی این جوامع خارج و ایفا نقش بر مبنای یکسانی و تشابه زن و مرد در حقوق و فرصت‌های برابر اجتماعی جایگزین آن شد و این روند به بازتعریف زنان از هویت تاریخی زنانه خود در شکل و قالب جدید و امروزین خود کمک کرد و هویت جنسیتی آنان رنگ و لعاب دیگری به خود گرفت. این پدیده با گسترش ادبیات توسعه و نفوذ ارزش‌های مدرنیسم به جوامع سنتی دیگر، باعث

عملاً به تثبیت هژمونی غرب بر جهان می‌انجامد، زیرا وقتی غرب مدرن و متجدد به عنوان آرمان‌شهر تلقی و راه‌های طی‌شده توسط جوامع غربی تنها راه قهری و مسلم ترقی قلمداد شود، بدهی است که ابزارهای دستیابی به این وضعیت متری نیز همان است که در جوامع غربی آزمون شده‌اند. لذا فهم چرایی اصالت یافتن نهضت ترجمه یا پیروی از قواعد و رویکردهای علوم مدرن در میان جامعه علمی و آکادمیک کشور ما با همین منطق امکان‌پذیر است. همین منطق است که تحقیق و پژوهش در فرهنگ بومی و میراث کهن جامعه خودی به منظور تولید علم بومی را فاقد ارزش قلمداد می‌کند و بازنویسی نظریات بومی کشورهای غربی در تبیین وضعیت اجتماعی خود، در قالب مقالات علمی را دارای اعتبار می‌داند.

یکی از مصادیق منتهی شدن ادبیات توسعه به تثبیت هژمونی غرب بر جهان شاخص باسواد در جامعه ما، تحصیلات به سبک مدرن و آکادمیک و تقسیم‌بندی سطوح علمی دیپلم تا دکتری و انطباق سایر سطوح علمی با آن است. پدیده حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر... نیز که اخیراً در جامعه ما در حال گسترش است نشانه همین واقعیت است. تغییر در معماری شهرها، گسترش مدهای لباس و پوشش غربی، رواج مصرف‌گرایی مدرن و فراموش شدن میراث کهن زبان و آداب و رسوم جامعه و ده‌ها پدیده دیگر که به تفصیل گزارش‌هایی نظیر نرخ مطالعه افراد در جامعه، تعداد سینماها و فیلم‌های تولیدشده، سرانه مصرف کاغذ، تعداد موسسات ثبت‌شده و... است که نزدیک شدن به استانداردهای جوامع غربی در این عرصه‌نمایانگر میزان توسعه‌یافتگی است.

ب- توسعه و استیلای تجدد این واقعیت که در اندازه‌گیری این شاخص‌ها، معیار و تراز، وضعیت کنونی کشورهای غربی و مدرن است و کشورهای در حال توسعه باید تا حد ممکن خود را به این استانداردها نزدیک‌تر کنند،

یادداشت

الف - ماهیت توسعه پس از جنگ دوم جهانی و استقرار نظمی عمومی در جهان، پرش از اختلاف فاحش سطح رفاه زندگی در میان ملل و کشورهای جهان، ذهن عالمان اجتماعی غرب را به سمت این پاسخ‌سوخ داد که حاکم نشدن تفکر مدرنیته بر از کان زندگی جوامع سنتی عامل عقب‌ماندگی و به وجود آمدن شکاف بزرگ در میان جوامع است و تنها راهکار حل این بحران، تجدد زندگی است و از همین دوران بود که مفهوم توسعه (development) به‌عنوان راهکاری برای بسط شیوه زندگی غربی در جهان مطرح شد. لذا باید توجه داشت که توسعه، توسعه تجدد است، زیرا تجدد از ابتدا قرار نبود در یک منطقه جغرافیایی محدود بماند (داوری‌آردکانی، ۱۳۸۴).

توسعه به دنبال حذف مؤلفه‌ها و ساختار زندگی سنتی و تمام متعلقات آن و بازسازی زندگی جوامع جهان متناسب با نظم مدرن است. این اتفاق به تدوین شاخص‌هایی کمی و قابل اندازه‌گیری نیاز دارد تا کشورهای به اصطلاح جهان سومی که قصد حرکت در این مسیر را دارند، امکان سنجش و ارزیابی حرکت خود به سمت مدرنیزاسیون را داشته باشند، لذا این شاخص‌ها در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... بود در نظر گرفتن ملاحظات و زمینه‌های بومی کشورها، توسط نظریه‌پردازان توسعه تدوین شد. برای مثال شاخص سنجش توسعه فرهنگی کشورها با رجوع به گزارش‌هایی نظیر نرخ مطالعه افراد در جامعه، تعداد سینماها و فیلم‌های تولیدشده، سرانه مصرف کاغذ، تعداد موسسات ثبت‌شده و... است که نزدیک شدن به استانداردهای جوامع غربی در این عرصه‌نمایانگر میزان توسعه‌یافتگی است.

ب- توسعه و استیلای تجدد

این واقعیت که در اندازه‌گیری این شاخص‌ها، معیار و تراز، وضعیت کنونی کشورهای غربی و مدرن است و کشورهای در حال توسعه باید تا حد ممکن خود را به این استانداردها نزدیک‌تر کنند،

نگاه

مأموریت صهیونیستی آمریکا در مذاکرات آتش‌بس

مهدی گرگانی: ۱۱ ماه از جنگ در غزه می‌گذرد؛ جنگی که تاکنون آورده‌ای برای رژیم صهیونیستی نداشته و هیچ‌یک از اهداف اولیه اعلامی رژیم محقق نشده است، نه اسرای صهیونیست آزاد شده‌اند و نه حماس نابود شده است. اشغالگران در نزدیک به یک سال اخیر هر جنبیتی را که در محیله می‌کنجد (جز استفاده از بمب اتم) در غزه انجام داده‌اند، به طوری که حجم بمب‌های ریخته شده بر سر زنان و کودکان غزه در ۱۱ ماه چند برابر تمام ۵ سال جنگ دوم جهانی تخمین زده می‌شود. در این بین محاصره و ممانعت از ورود آب و غذا و دارو نیز بخشی از ابزار جنگی اشغالگران است.

از این رو ۱۱ ماه جنگ و مقاومت حساب‌شده و تحسین‌برانگیز رزمندگان فلسطینی، دولت آمریکا و بسیاری از مقامات صهیونیست را مجاب کرده است با ابزار جنایت و وحشی‌گری، امکان نابودی حماس و بازگشت اسرا وجود ندارد. در این میان دولت آمریکا که در طول جنگ از هیچ حمایت نظامی، اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی از رژیم اشغالگر دریغ نکرده، این بار نیز وارد گود شده است و تلاش دارد با ابزار مذاکرات، دستاوردی را که در میدان نصب اشغالگران نشده است در میز مذاکره به دست آورد.

بررسی روند مذاکرات و طرح‌های ارائه‌شده از سوی دولت آمریکا نشان می‌دهد هدف اصلی واشنگتن، خروج آپرومندان رژیم معمول از باتلاق غزه است. در این راستا دولت آمریکا ۲۳ خرداد طرحی را موسوم به طرح «جو یابن» ارائه کرد که کلیات آن مورد موافقت حماس قرار گرفت و طرف‌های مذاکره‌کننده دربار جزئیات و بحث‌های فنی و اجرایی وارد گفت‌وگو شدند که در این میان «بنیامین نتانیاهو» با شرط‌های اضافی که گذاشت، مذاکرات را به بن‌بست کشاند که همان موقع نیز حتی صدای رؤسای موساد و شاباک به عنوان سرتیم هیأت مذاکره‌کننده اسرائیلی را نیز درآورد. سواى اینکه نتانیاهو بدون توجه به منافع رژیم صهیونیستی، تنها ادامه حیات سیاسی خود را مدنظر دارد و از این‌رو خواهان ادامه جنگ است، باید گفت مسأله حمایت آمریکا از این رژیم، فراتر از شخص نتانیاهو است و حتی اگر نتانیاهو نیز مسیر دیگری را برود و به ادامه جنگ اصرار بریزد، واشنگتن برای خود یک تعهد راهبردی در تأمین منافع رژیم صهیونیستی قائل است و اکنون آمریکا‌یی‌ها بخواهی فهمیده‌اند که جنگ غزه هر چه بیشتر طول بکشد، ضربات کاری آن از لحاظ راهبردی بر پیکره رژیم اشغالگر سهمگین‌تر خواهد بود.

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

@vatanemrooz